

سازمان‌های ملی، مدل‌ها و روش‌های استانداردسازی نام‌های جغرافیایی

ناصر محمدی

سرپرست کارگروه نام‌های خارجی – کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران
nasser_m11@yahoo.com

چکیده:

ما هرروز از نام‌های عوارض و مکان‌های پیرامون‌مان برای توصیف محیط اطراف خود استفاده می‌کنیم. امروزه نام‌ها به شکل تلفیق یافته‌ای در ارتباطات چند رسانه‌ای کاربرد دارند. درک مشترک نام مکان‌ها و عوارض جغرافیایی برای ایجاد ارتباطی کارآمد و موثر بسیار مهم است. کشف مناطق مختلف جهان و مسکونی شدن آن در طول دوران متمدنی، به نقشه برداری گسترده توسط نقشه برداران، جغرافی دانان و زمین شناسان منجر گردید. تلاش همه آنها به سوی دقت و درستی ارائه و کاربرد یکپارچه نام‌های جغرافیایی معطوف شده بود تا عوارض روی طرح‌ها و جدول‌هایشان را علامت گذاری کنند. پس از چندین سال، افرادی که عملیات نقشه برداری را آغاز کردند، دریافتند که برای پاسخگویی و تصمیم‌گیری در باره مسائل سیستم نامگذاری جغرافیایی نیاز به یک سازمان ذی صلاح می‌باشد. بدین طریق، می‌توانستند از بسیاری از خطاها و تناقضات در زمان استفاده از نام‌های جغرافیایی بر روی نقشه‌ها اجتناب کنند بهمین جهت ضرورت یافت نام‌های جغرافیایی در یک قالب خاص و معین استاندارد شوند. استاندارد سازی نام‌ها، انتخاب بین نام‌های مختلف در حال کاربرد را شامل می‌شود تا فرآیند ایجاد ارتباط را تسهیل بخشد. از فواید تخصصی استاندارد سازی نام‌های جغرافیایی میتوان به تاثیر مستقیم آن در مفاهیم فرهنگی، ثبت بخش مهمی از میراث فرهنگی یک کشور اشاره نمود. چنین ویژگی فرهنگی و تاریخی خیره کننده، در شبکه توپونیمی یک منطقه یا کشور بکار می‌آید. اغلب، چنین نام‌هایی، قرن‌ها بخشی از آئین و سنت زبانی را تشکیل می‌داده که هیچگاه در جایی ثبت نشده است. در دهه ۱۹۶۰، سازمان ملل، مکانیسمی را برای تاسیس گروه کارشناسان سازمان ملل (UNGEGN) و کنفرانس‌های سازمان ملل درخصوص استاندارد کردن نام‌های جغرافیایی ایجاد نمود. همچنین راه‌های متعددی برای دستیابی به استاندارد سازی وجود دارد. اما ارتباط و کارایی هر کدام، به طور گسترده به ویژگی‌های کشور مورد نظر بستگی دارد. - وسعت آن، ساختار حکومتی، نواحی فرهنگی / زبانی، سیاست، مناطق طبیعی / کشوری، منابع موجود و غیره.

سازمان‌های مختلف نام‌ها، اصول و شیوه‌های کار متعددی در سراسر جهان ایجاد شده است. اسناد و مدارک کشورهای مختلف می‌تواند در دسترس کشورهای قرارگیرد که به تازگی برنامه‌های جدید را شروع کرده‌اند و قطعاً می‌تواند شروع خوبی برای آنها باشد. با اینحال هر کشور شیوه‌ای را برمی‌گزیند که با ساختار سیاسی، حکومتی، زبانی منحصر بفرد خود به بهترین وجه هماهنگی داشته باشد. همیشه دشوارترین گام‌ها، اولین گام‌هاست، از جمله، گرفتن توصیه‌ها، تأیید توافقنامه‌های داخل سازمانی، حمایت مطمئن از تاسیس یک سازمان نام‌های ملی.

مقدمه

ما هرروز از نام‌های عوارض و مکان‌های پیرامون‌مان برای توصیف محیط اطراف خود استفاده می‌کنیم. همچنین نام‌ها را برای انتقال همه مفاهیم زندگی خود، کار، وقایع اجتماعی بکار می‌بریم. شاید این نام‌ها در گفتگوها یا به صورت مکتوب و یا البته امروزه نام‌ها به شکل تلفیق یافته‌ای در ارتباطات چند رسانه‌ای کاربرد دارند. درک مشترک نام مکان‌ها و عوارض جغرافیایی برای ایجاد ارتباطی کارآمد و موثر بسیار مهم است. این بدان معنی است که نه تنها کاربر (استفاده کننده از نام) دارای چند چهارچوب از مرجع می‌باشد، بلکه گیرنده ارتباط هم سیستم بکار رفته را درک می‌کند.

در گفتگوی بین چند فرد، بخصوص در سطح محلی، تعیین هویت عوارض ممکن است بسیار غیررسمی باشد: من باب مثال، می‌خواهیم به "دریاچه" یا "فروشگاه"، "صخره بزرگ" یا آن "پیچ جاده" برویم. اما هر چه تعداد شنوندگان بیشتر و صحبت رسمی‌تر باشد، نیاز شدیدی به وجود نوعی از چهارچوب یا معیار ثابتی از ارجاعات نام‌های جغرافیایی احساس می‌شود. زمانیکه به اسناد و مدارک مراجعه می‌کنیم، با نگرستن به گزارشهای تاریخی متوجه می‌شویم که کاربرد نام‌ها در آنها چقدر گیج کننده است. روالی که هنوز هم ادامه دارد. این مساله بویژه در موقع رجوع به نقشه‌ها نیز مشهود است. احتمالاً "زبانهای مختلفی بکاررفته است، شاید نام‌های جوراجور به یک زبان استفاده شده یا رسم الخط آنها تغییر یافته و یا یک نام برای عوارض مختلف بکار رفته است. نام‌های روی نقشه‌ها که در برهه‌ای از زمان و توسط افراد مختلفی گردآوری شده اند برای اشخاصی که به تعبیر و تفسیر آنها می‌پردازند، بسیار چالش برانگیز خواهد بود.

۱- ضرورت استاندارد سازی نام‌های جغرافیایی

کشف مناطق مختلف جهان و مسکونی شدن آن در طول دوران متمدنی، به نقشه برداری گسترده توسط نقشه برداران، جغرافی دانان و زمین شناسان منجر گردید. تلاش همه آنها به سوی دقت و درستی ارائه و کاربرد یکپارچه نام‌های جغرافیایی معطوف شده بود تا عوارض روی طرحها و جدولهایشان را علامت گذاری کنند. موارد استثنایی چه در آن زمان و چه در حال حاضر اینست که نقشه‌هایی که توسط هر بخش دولتی تهیه و تولید می‌شد باید در املا و کاربرد، دارای انسجام و یکدستی باشد. پس از چندین سال، افرادی که عملیات نقشه برداری را آغاز کردند، دریافتند که برای پاسخگویی و تصمیم گیری در باره مسائل سیستم نامگذاری جغرافیایی نیاز به یک سازمان ذی صلاح می‌باشد. بدین طریق، می‌توانستند از بسیاری از خطاها و تناقضات در زمان استفاده از نام‌های جغرافیایی بر روی نقشه‌ها اجتناب کنند. در سال ۱۸۸۸، بحث و گفتگوهای زیادی درباره نام‌های عوارض جغرافیایی صورت گرفت و استفاده غلط و چاپ بر روی نقشه‌ها ضرورت تاسیس و ایجاد سازمانی برای این امر را بیش از پیش آشکار می‌نمود.

این نمونه مربوط به یک قرن پیش مطالب بسیاری را روشن می‌سازد:

(۱) نیاز به داشتن سازمانی که در مورد نام‌های جغرافیایی تصمیم بگیرد و در نتیجه ابهام و سردرگمی در رسم الخط و کاربرد نام‌ها را مرتفع سازد.

(۲) کاربران اطلاعات حتی الامکان یکدستی را خواستارند و در صورت نبود یک سازمان مناسب، مرجع دیگری باید در این مورد اقدام نماید.

(۳) یک تیم متخصص باید فهرستهای مرجع نام‌های جغرافیایی را ثبت و ضبط نماید، مسائل مطرح شده را حل و فصل کند و اطلاعات نام‌های استاندارد شده را انتشار دهد (اطلاعات مجاز، رسمی یا تأیید شده).

۲- استانداردسازی چیست؟

اگر نام‌های جغرافیایی باید به عنوان مرجع‌های مفیدی به کار آیند، پس رابطه بین نام و مکانی که آن نام به آن تعلق دارد و پیامی که انتقال می‌دهد باید واضح باشد و برای همه سطوح کاربردی - محلی تا بین‌المللی - قابل درک باشد. "نام‌های مکان‌ها باید در نقش یک کد ارتباطی عمل نمایند که ارتباط محکم و استوار بین نام‌ها و مکان‌ها را تضمین می‌کند"

بنابراین، بسیار حائز اهمیت است که "استفاده از نام‌های مکان‌ها تا جایی که ممکن است یکدست باشد، در شرف استاندارد کردن باشد، هم از نظر انتخاب نام‌ها و شکل نوشتاری آنها و هم از نظر رابطه بین نام‌ها و مکان‌هایی که نام‌ها بر آنها اتلاق می‌شود" (Dorion 1992). بطور خلاصه، "نام‌های مکان‌ها باید استاندارد شوند."

بر طبق فرهنگنامه سازمان ملل (2002)، استاندارد سازی یعنی تغییر یک نام جغرافیایی براساس مجموعه‌ای از استانداردها یا معیارهایی که توسط سازمانی مناسب تهیه و ارائه شده باشد.

نام‌های جغرافیایی به ایفای نقش چشمگیر خود در ارتباطات ادامه می‌دهند و نام‌هایی که از نظر ملی تأیید شده‌اند برای استفاده در سراسر جهان بسیار قابل اعتماد هستند. لذا استاندارد سازی ملی، پایه و اساس استاندارد کردن بین‌المللی را نیز بوجود می‌آورد.

به لحاظ تئوری، رابطه یک به یک بین مکان و نام، رابطه‌ای ایده‌آل است و براساس این رابطه یک معنایی، هر مکان یا عارضه‌ای به یک نام پیوند می‌خورد و یک نام تنها برای یک مکان یا عارضه ساخته می‌شود. در حقیقت، چنین دورنمای تئوریکی غیر قابل دستیابی است. تعداد عوارض در سراسر کره زمین فراتر از حد تصور ماست و عدم تکرار نام‌ها حتی در یک زبان مستقل، امری محال است. مگر اینکه، مفاهیم مختلف یک مکان مشخص در بسیاری از موارد، نام‌های متعددی را برای آن مکان بوجود آورد (براساس بررسی‌های زمانی، تاریخی). استاندارد سازی نام‌ها، انتخاب بین نام‌های مختلف در حال کاربرد را شامل می‌شود تا فرآیند ایجاد ارتباط را تسهیل بخشد.

۳- برخی از فواید استاندارد سازی نام‌های جغرافیایی

استاندارد سازی اشکال نوشتاری نام‌های جغرافیایی کاری صرفاً علمی نیست بلکه دارای فواید عملی ملموسی از مزایای اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. هر فرد می‌تواند نکات مرجع را بطور صحیح بشناسد، چه در قانون، ماده‌ها، تبصره‌های حقوقی یا اسناد و مدارک اداری باشد و یا در مطالب آموزشی یا متون توریستی عنوان شده باشد. اشکال مکتوب استاندارد و کاربرد نام‌های جغرافیایی برای دولتمردان، صنعت، بازرگانی، آموزش و علم از اهمیت بسزایی برخوردار است. یک چهارچوب (معیار) مرجع جغرافیایی واضح و روشن که بتواند اطلاعات دیگر را بطور موثری به هم مربوط سازد، در دنیای GIS کنونی بی‌ارزش است.

علاوه بر فواید تخصصی بسیار زیاد چنین برنامه‌ای، تاثیر مستقیم آن در مفاهیم فرهنگی، ثبت بخش مهمی از میراث فرهنگی یک کشور به چشم می‌خورد. چنین ویژگی فرهنگی و تاریخی خیره‌کننده، در شبکه توپونیمی یک منطقه یا کشور بکار می‌آید. اغلب، چنین نام‌هایی، قرن‌ها بخشی از آئین و سنت زبانی را تشکیل می‌داده که هیچگاه در جایی ثبت نشده است.

هرگاه درصدد توجیه یک برنامه نام‌های جغرافیایی ملی برمی‌آئیم، درمی‌یابیم که نشان دادن منافع ملموس در واژه‌های مادی کار چندان آسانی نیست. مسلماً، رقابت کردن با آب سالم، بهداشت، برنامه‌های زیربنایی گسترش جاده‌ها بسیار دشوار است. هرچند با موشکافی دقیق، اغلب می‌فهمیم که در گذشته، پول و زمان قابل توجهی بر روی مسائل نام‌ها هزینه

شده، اما جذب دیگر بخشهای دیگر گردیده است. مثل بخشهای کارتوگرافی، حمل و نقل، آمار، حقوق. ممکن است تلاشهای این بخشها با هم تداخل داشته باشد. چون هریک با همکاری بسیار جزئی، بدنبال گردآوری و انتخاب نامها هستند و غالباً نتایج چالش برانگیزی نیز در پی دارند. دوباره کاری (تکرار) فعالیتهایی موازی و هم راستا در بخشهای مختلفی که به اطلاعات توپونیمی نیاز دارند، احتمالاً هزینه ای بیش از یک گروه چند نفره از افراد متخصص و همکار در فعالیت نامهای جغرافیایی را صرف می کنند. ادغام کارهای مربوط به نامهای جغرافیایی، باعث می شود اطلاعات یکدست تری در اسناد دولتی فراهم شود و متعاقب آن نامهای استاندارد شده در دسترس گروه زیادی از مردم قرار گیرد و منافع عظیم تر با هزینه ای کمتر را در پی داشته باشد. (کرفت، ۱۹۹۲)

در محیط شبکه کنونی، با اطلاعات روزافزون در سایتهای اینترنتی گوناگون، دسترسی به اطلاعات استاندارد شده مجاز، اهمیت بسزایی دارد. این شبکه ها، برای فعالیت سازمان نامها، از یک سو اطلاعات ذی قیمت و از سویی دیگر چالش هایی را فراهم می سازند.

۴) روش های استاندارد سازی

۱-۴-) برخی حمایت ها از سوی سازمان ملل متحد

در دهه ۱۹۶۰، سازمان ملل، مکانیسمی را برای تاسیس گروه کارشناسان سازمان ملل (UNGEGN) و کنفرانس های سازمان ملل درخصوص استاندارد کردن نامهای جغرافیایی ایجاد نمود. یکی از اولین قطعنامه های این سازمان، بر نیاز همه دولتهای عضو UN مبنی برداشتن سازمان نامهای ملی تاکید می کرد. قطعنامه شماره ۴ اولین کنفرانس (۱۹۶۷) اغلب به عنوان استخوان بندی اقدامات بعدی، قلمداد می شود. این قطعنامه شامل پیشنهادات ذیل بود:

الف) سازمان نامهای ملی

ب) گردآوری نامهای جغرافیایی

ج) اصول برخورد رسمی با نامهای جغرافیایی

د) نواحی چند زبانه

هـ) فرهنگنامه های ملی

قسمت الف (ر. ک پیوست) توصیه می کند که هر کشور باید یک سازمان نامهای جغرافیایی ملی داشته باشد. این سازمان باید با قدرت اجرایی آشکار و موقعیت اجتماعی همیشگی بنیان نهاده شود، متعهد به فعالیت برای دولت باشد و از توصیه های کارشناسی نقشه برداران، کارتوگرافها، جغرافی دانان، زبانشناسان و غیره استفاده کامل برد. کشورهایی که هنوز دین خود را در استاندارد کردن نامهای جغرافیایی کشورشان در سطح ملی ادا ننموده اند، به انجام این کار تشویق و ترغیب می شوند و باید دبیر کل (UN) را از فعالیتهای خود در این مورد مطلع سازند.

حمایت از برنامه های استاندارد سازی ملی نیز در قطعنامه های جانبی متعدد کنفرانسهای استاندارد سازی نامهای جغرافیایی گنجانده شده است (مثل قطعنامه شماره ۱۵ از پنجمین کنفرانس). مبنای فعالیتهای استاندارد سازی بین المللی و فرآیندهای آن، همواره بر مفهوم استاندارد سازی ملی استوار است.

امروزه، بیش از هر زمان دیگر، با توسعه موسسات زیربنایی اطلاعات مکانی مشترک در کشورهای مختلف، مجموعه ای منحصر به فرد نامهای جغرافیایی استاندارد شده ملی، به لایه بنیادین بسیار مهمی از اطلاعات مرجع جغرافیایی مبدل

گشته است. اهمیت چنین مجموعه اطلاعات نام‌های جغرافیایی در کنفرانسهای اخیر کارتوگرافی منطقه ای سازمان ملل مورد تاکید قرار گرفته است (کنفرانس آسیا، اقیانوسیه ۲۰۰۰ و آمریکا ۲۰۰۱).

۲-۴) روش‌های دستیابی به استانداردسازی

راههای متعددی برای دستیابی به استاندارد سازی وجود دارد. اما ارتباط و کارایی هر کدام، به طور گسترده به ویژگیهای کشور مورد نظر بستگی دارد - وسعت آن ، ساختار حکومتی ، نواحی فرهنگی / زبانی ، سیاست ، مناطق طبیعی / کشوری ، منابع موجود و غیره .

سازگار بودن و یکدستی ساختار و عملکرد سازمان توپونیمی ملی با محیطی که این سازمان در آن قرار دارد، بسیار مورد توجه و مطلوب است.

چند روش موجود برای استاندارد سازی بشرح زیر می باشد :

۱- " کمیته " نام‌های متمرکز، (authority, Council, Committee, Comission)

- یک سازمان نام‌های ملی، باید حمایت یک بخش دولتی ویژه تاسیس گردد اما محدوده مسئولیت آن در سطح ملی باشد و به لحاظ انواع عوارض جغرافیایی که نامگذاری می شوند جامع و گسترده باشد.
- تصمیم گیری براساس انواع عوارض یا نواحی زبانی تحت یک ساختار متمرکز باید اصولاً "سلسله مراتبی باشد و کمیته ها و کمیته های فرعی به جنبه های مختلف نامگذاری بپردازند.

۲- " کمیته " نام‌های تمرکز زدایی نشده

- یک سازمان منظم مرکزی با سازمان‌های ناحیه‌ای است که بطور کامل یا نسبی در تصمیم گیری درخصوص توپونیمی، مستقل عمل می کند. این سیستم ممکن است سلسله مراتبی یا یکنواخت باشد. در مورد دوم ، کمیته های ناحیه ای وارد یک سیستم ملی می شوند. احتمال دارد فعالیتهای ملی پیش از تمرکز زدایی سازمان گسترش یابد و یا بعدها استانداردهای ملی منظمی برای سازمانهای گوناگون ناحیه ای ایجاد گردد.
- سازمان یا براساس انواع عوارض نامگذاری شده (مثلاً "مسیرهای حمل و نقل با نواحی حفاظت شده مناطق شهری و غیره و یا براساس نواحی زبانی تقسیم‌بندی می‌شود.

۳- عدم وجود "کمیته"

گاهی ممکن است به سبب اهمال و کم کاری ، سازمان به بخش های دولتی موجود واگذار گردد. مثلاً "موسسات نقشه برداری ملی به امور نام‌ها بپردازند یا شاید دانشگاهی این وظیفه را به عهده بگیرد.

درحقیقت ، فرآیند استاندارد سازی با تلفیق این امکانات بالقوه گسترش می یابد. مسلماً " ، قطعنامه های کنفرانس های سازمان ملل ، بیشتر به تاسیس یک سازمان ملی تمایل دارند، تا اینکه یک موسسه نقشه برداری ، بدون تبعیت از فرآیندهای کمیته ای خاص، عهده دار امور نام‌ها شود.

اگر چه یک معیار جامع که همه موقعیتهای را در برگیرد وجود ندارد و هر چه این فرآیند بیشتر تمرکز زدایی شود، ممکن است دستیابی به یکپارچگی در روش استاندارد سازی دشوارتر گردد. مگر اینکه استانداردهای همه جانبه ی مناسب، برای گروههای متعدد تعیین شود تا برطبق آن عمل نمایند. از سوی دیگر ، تمرکز زدایی ممکن است ارتباط بهتری را با کاربرد محلی نام‌ها بوجود آورد و باعث شود توپونیمی استاندارد شده به حقیقت پیوندد.

۵- کمیته ها ، کمیسیون ها، هیات ، شوراها و سازمان های نام ها

۵-۱- جنبه های قانونی

تاسیس یک سازمان توپونیمی معمولاً "نتیجه یک قانون ، ماده ، حکم شورا یا قوانین مشابه دولتی می باشد. چنین حکمی باید به وضوح بیانگر موضوعات مرجع ، دستورات ، مسئولیتها ، قانون اساسی و غیره باشد . و کمیته ، فرد مسئول سازمان دهی و تامین بودجه آن ، رئیس و دبیرکل را نیز به روشنی مشخص نماید.

به رسمیت شناختن قانونی این کمیته ، موقعیت اجتماعی و اختیارات مناسبی را در ساختار و فرآیند تصمیم گیری آن فراهم می سازد . (توجه : هرچند که این فرآیند همان تصمیم گیری های نام های واقعی نمی باشد که قانوناً منع شده است. این موقعیتی است که نیاز به قانونگذاری جدید دارد و در بعضی کشورها تحقق یافته است). در طول این سالها ، به بازنگری حکم تاسیس این کمیته توجه زیادی شده است زیرا بدنبال تغییرات ساختارهای حکومتی ، ممکن است روشها و مسئولیت ها از بین رفته یا منسوخ شده باشد. به روز نگهداشتن این حکم به بازگویی ، اهمیت و ارتباط وظایف مستمر و همیشگی این کمیته کمک می کند.

یک کمیته (کمیسیون ، کمیته ، شورا ، سازمان ، غیره) ممکن است قدرت تصمیم گیری بسیار بالایی داشته باشد، همانطور که در مورد کشورهای متعدد صدق می کند. یک کمیته می تواند با نخست وزیر ، و زیر کابینه یا یک بخش دولتی مشاوره کند. درحالتی دیگر ، این کمیته لزوماً "مسئولیت را از دوش دفتر وزیر برمی دارد و درخصوص مسائل سیاسی ممکن است به طور مستقل تصمیم گیری کند.

۵-۲- اعضای کمیته نام ها

دراین مورد ، هیچ قانونی برای تبعیت وجود ندارد ! اما چند راهکار ممکن است مفید واقع شود. فرض کنید که یک بخش دولتی ، ریاست این کمیته را به عهده گیرد (برای مثال، بخش نقشه برداری)، باید از سایر بخشها پرس و جو کرد که چه کسانی ، تولید کننده و یا کاربر اطلاعات نام های جغرافیایی هستند، وزارت دفاع ، نقشه کشی هیدروگرافی ، حمل و نقل ، ادارات پست ، پارکها ، جنگل ها و یا بخش ترجمه . یک کمیته ملی می تواند شامل نمایندگی ناحیه ای نیز باشد. برای رقابت مستمر و آشکار برسر منابع انسانی و مالی بسیار مهم است که یک کمیته با بالارفتن سلسله مراتب حکومتی تا جایی که عملی باشد ، سوابق و اسناد نام ها تهیه کند.

برای حفظ مقبولیت همگانی در فرآیند تصمیم گیری ، شرکت کنندگان غیردولتی می توانند عضو این کمیته شوند. دربرخی موارد این افراد براساس تخصص هایشان (مثلاً تاریخ محل ، دانش زبانی یا بایگانی) و یا از گروههای خاص علاقه مند گزینش می شوند (گروههای زبانی /رقومی ، جوامع تاریخی یا آموزشی)، احتمال دارد ، انتصاب اعضاء براساس قاعده ای مدون یا شرایط خاص اداری صورت پذیرد.

رئیس کمیته ممکن است از یک بخش مسئول و یا به نوبت از بین نمایندگان دولت تعیین شود. از طرف دیگر،بعضی کمیته ها هم اکنون ،در جستجوی یک بخش خصوص هستند تا حتی الامکان بدور از نفوذ سیاسی ،جایگاه ریاست این کمیته را به عهده گیرد. البته بعید است که پست ریاست، شغلی تمام وقت باشد. تعداد اعضاء کمیته نام ها مشخص نیست . حداقل ۶ نفر و دربعضی کمیته ها ممکن است ۲ تا ۳ برابر هم باشد.

بافرض اینکه ، برپایی نشست های این کمیته و به عهده گرفتن وظایف محول شده با برخی ملاحظات مالی مرتبط باشد ، قطعاً مسائل مالی و هزینه بر ترکیب اعضا و تعداد آنها ، مسائل مالی و هزینه تاثیر گذار خواهد بود. اگر اعضاء کمیته از

کارمندان دولتی نباشند، ممکن است هزینه های سفرهای مربوط به شرکت نمودن در نشست ها و مسائل پولی روزانه نیز مطرح شود.

هر کمیته باید شرایطی روشن و آشکار از مرجعی معین را داشته باشد زیرا به داشتن چهارچوبی رسمی و مشخص نمودن ن واضح وظایف اعضا کمک خواهد کرد. معمولاً نشست ها تمام روز یا نیمی از روز طول می کشد.

بسامد نشست های کمیته بطور قابل ملاحظه ای عموماً از ماهانه به سالانه تغییر می کند. اگر نشست ها خارج از برنامه باشد، شرکت کنندگان مجبورند از مسافتی دور به محل نشست سفر کنند و یا اگر فعالیتهای مربوط دیگری باید گنجانده شود، زمان نشست ها طولانی خواهد شد. عوامل موثر در بسامد برپایی این نشست ها به قرار زیر است:

۱- میزان زمان موجود برای گروه پشتیبانی جهت پردازش اطلاعات مربوط به تصمیم گیری کمیته

۲- حجم مطالب مهم و برجسته ای که باید قبلاً به کمیته ارائه شود.

۳-۵) وظیفه کمیته نامها

مسئولیتها و دامنه فعالیت کمیته ها ی نامها بطور قابل توجهی متغیر است. عموماً یک کمیته، به نامهای عوارض طبیعی و یا مکانهای جمعیتی در محدوده قانونی اش می پردازد. برخی کمیته ها هم براسامی خیابانها، عوارض ساخته شده (مثل سدها، پارکها، ساختمانها، لنگرگاهها، فرودگاهها) مزارع، پارکها، گورستانها و ادارات پستی قدرت تصمیم گیری دارند. شماری از وظایف محول شده به کمیته نامها به شرح ذیل می باشد:

الف) گسترش خط مشی ها و دستورالعمل ها برای ایجاد مبنایی منطقی برای تأیید یا رد نامها.

این امر ممکن است خط مشی هایی درخصوص رفتار زبانشناسی و پرداختن به موقعیت اجتماعی نامهای مختلف را شامل شود (بخصوص در نواحی چند زبانه). چند گروه فرعی احتمالاً "عهده دار موضوعاتی خاص مثل سیاستهای زبانی، علامتگذاری جاده ها، نامگذاری عوارض زیردریا، اصطلاح شناسی فنی و غیره می شوند.

ب) تصمیم گیری نهایی درمورد نامهایی که قبلاً به کمیته ارائه می شود و دادن پیشنهاداتی به بخش دولتی یا وزیر به منظور کسب امضاء و تأیید وی. بدین ترتیب این کمیته مرجع استاندارد کردن نامهای جغرافیای در حوزه قانونی اش قلمداد می شود. این کمیته، درمورد اینکه آیا نامها باید پذیرفته شوند یا نه، درصورت پذیرش، نحوه املاي آنها چگونه باشد؟ و تا چه وسعتی از آن عارضه، این نام بکار می رود؟ تصمیم گیری می کند و یا پیشنهاد می دهد. (فقط در بعضی موارد، کمیته نامها نقش فعالی را در شروع و اجرای نامگذاری عوارض ایفا می کند)

ج) حصول اطمینان از در دسترس قرار گرفتن خلاصه مذاکرات کمیته و اینکه تصمیم گیری نامها ثبت شود و حتی الامکان به طور گسترده ای در اختیار موسسات نقشه برداری، اداره های دولتی، مترجمان، معلمان، رسانه های جمعی و همگان قرار گیرد. معدودی از کمیته ها شاید به فعالیتهای دیگری مثل نشریات مربوط به نامها، بروشورهای برنامه ریزی، برپایی گردهمایی درخصوص مباحثات ناحیه ای، سازماندهی کارگاهها و ارائه توصیه یا راهنمایی به دبیرکل این کمیته بپردازند.

۴-۵- دبیرخانه کمیته نام‌ها:

یک کمیته بدون حمایت قانون هویت ندارد و نمی‌تواند وظیفه‌اش در آماده‌سازی مطالب، حفظ سوابق و انتشار تصمیم‌گیری‌های نام‌ها را با موفقیت به پایان رساند. در موارد بسیاری، یک کمیته دارای یک "دبیرخانه" متمرکز خواهد بود که از یک نفر یا تیمی چند نفره تشکیل می‌گردد. (تعداد افراد کمیته اغلب با استخدام کارمندان بیشتر در سایر بخشهای اداری پایگاه اطلاعاتی، حفظ و نگهداری و ارتباطات رسانه‌ای از این هم کمتر می‌شود). امکان دارد کمیته‌ها یا گروههای کاری مختلف، مسئولیت آماده‌سازی مدارک مربوط به انواع گوناگون اسامی را بعهده گیرند (مثل عوارض تقسیمات کشوری، توپوگرافیکی).

۵-۵ (خط مشی‌ها و اصول و مبانی کمیته نام‌ها):

سنن فرهنگی، تاریخی و زبانی یک کشور، بدون شک برخط مشی‌ها، اصول و دستورالعملهایی که یک کمیته پدیدآورده است، تأثیر خواهد گذاشت. هیچ قاعده‌ای که همه زمینه‌ها را دربرگیرد، وجود ندارد. عناوینی که ممکن است یادآوری آنها لازم باشد به شرح زیر می‌باشد:

۱. اهمیت نام‌ها در کاربرد رایج و طولانی مدت محلی. (چه مدت به کاررفته است؟ چه تعدادی از مردم آنها را بکار برده‌اند؟) همچنین در کاربرد متداول نام‌ها در نزدیکترین ناحیه)
۲. رفتار زبانی در دیگر زبانهای رسمی / ملی / ناحیه‌ای کشور - در ارتباط با معیارهای فرم نوشتاری یک نام (رسم الخط، حالت، اعراب گذاری، لغات شکسته، حروف بزرگ و غیره). شاید لازم باشد نام‌ها در زبانهایی که فرم نوشتاری ندارد مورد بررسی و توجه قرار گیرند.
۳. با چند نامی (نام‌های چند گانه) چگونه برخورد کنیم؟ اصل یک معنایی ممکن است ایده آل باشد، اما شاید در همه موارد کارایی نداشته باشد. اگر بیش از یک نام باید پذیرفته شود، پس یکسانی نام‌ها یا شرایط خاصی که در آنها طبقه بندی‌های خاصی از نام‌ها بکار می‌رود، به وضوح باید مشخص گردند. (شناخت و درک نحوه استفاده یا انتخاب توپونیمی‌های چند گانه ممکن است برای افراد داخل کشور امری دشوار باشد. اینکار برای کسانی که خارج از کشور هستند و یا گروههای زبانی مختلف دشوارتر خواهد بود. راهنماهای روشن و واضح در این موارد بسیار ضروری است.)
۴. پرهیز از تکرار نام‌ها برای مکان‌ها و عوارض مجاور یکدیگر. (این کار، سرویسهای اورژانس و سرویسهای تحویل و غیره را دچار سردرگمی خواهد نمود).
۵. اجتناب از گوناگونی املای نام‌ها در جایی که یک نام برای عوارض متعدد نزدیک به هم بکاررفته است.
۶. پرهیز از نام‌هایی که برای هر قشر از مردم توهین آمیز باشد.
۷. استفاده از اصطلاحات تخصصی ژنریک مناسب برای یک عارضه.
۸. در صورتی که بخشهای مختلفی از یک عارضه نامگذاری شده باشد، هر بخش باید نام خاص خودش را داشته باشد. باید دقت شود که از بکاربردن همان واژه ژنریک برای بخشهای فرعی درست همانند نام بخش اصلی اجتناب شود. (مثلاً "قله نامی مناسب برای یک بخش از کوه (اصلی) است. خور و شاخابه نیز زیرمجموعه‌هایی از یک خلیج محسوب می‌شوند)

۹. پذیرش نام‌ها برای واحدهای قانوناً نباشد (این واحدها می‌تواند شهرها، پارک‌های ملی و غیره باشد) پذیرفتن نام‌های بکاررفته از سوی سایر نهادها و سازمانها در صورتی که با اصول و مبانی دیگر مغایرتی نداشته باشند. (مثل شرکتهای راه آهن، تاسیسات همگانی)
۱۰. نحوه بکاربردن نام‌هایی که ماهیتاً تجاری تلقی می‌شوند (مثل نام‌های تقسیمات فرعی)
۱۱. نحوه بکاربردن پیشنهادات استفاده از نام‌های شخصی به صورت یادبود (یادگاری). (مثلاً چه رابطه‌ای با این عارضه وجود دارد؟ یا آیا این فرد هنوز در قید حیات است؟)
۱۲. اگر عارضه‌ای در کاربرد محلی نامی ندارد، آیا نام‌های ترجیحی برای آن وجود دارد؟ (به طور مثال، توصیف عارضه، یادآوری واقعه تاریخی، نام سنتی)
۱۳. آیا برای پذیرش نام‌ها به مصوبات شورای روستاها (یا واحد رسمی مشابه) نیاز است؟
۱۴. آیا نواحی خاصی وجود دارند که حداقل نامگذاری‌ها در آنجا حفظ شود؟ (به طور مثال در نواحی حفاظت حیات وحش)
۱۵. اگر قرار است نام‌های پذیرفته شده قبلی (اولیه) تغییر یابند، آیا دستورالعمل‌هایی برای انجام منسجم و آشکار آن وجود دارد؟
۱۶. اگر عوارض باید توسط یک کمیته نامگذاری شود، آیا لازم است نامگذاری عوارض مهم و اصلی در اولویت قرار گیرند؟

مطالب فوق صرفاً معدودی از اصول و مبانی هستند که هر کمیته ویژه نام‌ها نیاز به ملاحظه و بررسی آنها دارد. باید توجه شود که تصمیمات این کمیته، سنگ بنای مهم در توپونیمی رسمی یک کشور محسوب می‌شود و باید تنها به استناد همه اطلاعات مناسب موجود تصمیم‌گیری کند. بهتر است کمیته در تصمیم‌گیری شتاب نکند، نه اینکه تصمیماتی را اتخاذ نماید که در کوتاه مدت مجبور به تغییر آنها باشد. چون از این کمیته، قضاوتی بی‌غرضانه انتظار می‌رود. در صورتی که تصمیمات کمیته مبتنی بر اطلاعات مناسب و اصول مستند و دقیق نباشد، انسجام و کارایی اش زیرسؤال خواهد رفت. در نواحی که تغییرات نام‌ها در آنجا با روندی سنجیده و کند ظاهر می‌شود، ممکن است نتایج درازمدت بهتری در مقایسه با تصمیم‌گیری‌های شتاب زده مبتنی بر بنیان ضعیف، بدست آید.

علی‌رغم این چهارچوب بسیار محکم و استوار برای حمایت از کمیته و تصمیماتش، دخالت‌های سیاسی سیاستمداران یا ایجاد وقفه‌های کوتاه در فرآیند تصمیم‌گیری توسط آنان، هنوز منشا عقیم ماندن کار کمیته می‌باشد.

۵-۶) مرام و اهداف سازمان نام‌های ملی

در اقتصاد کنونی، هر بخش دولتی، به منظور حمایت از سرمایه‌گذاری موجود و حفظ موجودیت دائمی خود، باید به طور مستمر، موقعیت خود را شفاف و تقویت کند. به همین دلیل توسعه یک برنامه استراتژیکی مرکب از مرام‌نامه، مسئولیت‌ها و اهداف ممکن است مفید واقع شود. در اکثر کشور های جهان، چنین برنامه‌ای در اواخر دهه ۹۰ برای تاسیس سازمان نام‌های ملی آغاز شد. از آن به بعد، روز آمد سازه‌های متعددی، در چهارچوب اصلی صورت گرفت. کانادا نمونه‌ای از یک مرکز نامگذاری است که مرکزیت تصمیم‌گیری نام‌ها در ایالات و سرزمین‌ها قرار گرفته است. این مراکز قانونگذاری از نگاه کمیته نام‌های جغرافیایی کانادا (GNBC)، سازمانی جامع برای توپونیمی در داخل کشور و برای بخش نام‌های جغرافیایی

در سازمان منابع طبیعی کاناد ، نقش هماهنگ کننده و هدایت کننده فعالیتهای نامهای جغرافیایی در سطح ملی را انجام می دهد.

اولین کنفرانس استاندارد سازی نامهای جغرافیایی سازمان ملل ژنو : ۲۲-۴ سپتامبر ۱۹۶۷

توصیه الف) سازمان های نامهای ملی

پیشنهاد می شود که در قدم اول استاندارد سازی بین المللی نامهای جغرافیایی ، هر کشور خود یک سازمان نامهای جغرافیایی ملی داشته باشد :

الف) سازمانی متشکل از یک گروه مستمر یا گروهی از افراد همکار بوجود آید که به وضوح حدود اختیارات و شیوه نامه آنها برای استاندارد سازی نامهای جغرافیایی و تعیین خط مشی استاندارد سازی نامها در هر کشور بیان شده باشد.

ب) با برخورداری از چنین جایگاه اجتماعی ، ترکیب افراد و عملکرد و روال کار باید با

۱. ساختار حکومتی هر کشور انسجام داشته باشد.

۲. بزرگترین فرصت موفقیت در برنامه های استاندارد سازی نامهای ملی را در اختیار داشته باشد.

۳. در صورت مناسب بودن ، در چهارچوب خود و برحسب ناحیه یا زبان ، کمیته های محلی یا ناحیه ای را تاسیس نماید.

۴. درمورد بررسی تاثیرات اقدامات خود در سازمانهای دولتی و خصوصی و دیگر گروهها و همچنین در مورد تشخیص این دست آوردها ، حتی الامکان برمنافع دراز مدت کشور ، پیش بینی های لازم را انجام دهد.

۵. از نقشه برداریان ، کارتوگرافها ، جغرافی دانان ، زبانشناسان و دیگر کارشناسانی که سازمان نامها را در انجام موثر فعالیتهایش یاری می دهند، استفاده کامل ببرد.

۶. حفظ سوابق و شیوه های انتشار را که کار توزیع سریع و گسترده اطلاعات نامهای استاندارد شده ملی و بین المللی اش را تسهیل می کند، امکان پذیر سازد.

این قطعنامه توصیه می کند که کشورهایی که هنوز از امتیاز استاندارد سازی نامهای جغرافیایی خود در سطح ملی استفاده نکرده اند باید اکنون بدین کار اقدام نمایند.

توصیه می شود که هریک از سازمانهای نامهای ملی، دفتر سازمان ملل را از اطلاعات مربوط به تالیفات و عملکردها و از نشانی دفتر دبیر کلی خود مطلع سازند.

نتیجه گیری:

هم اکنون سازمانهای متولی نامهای جغرافیایی در کشورهای مختلف تأسیس شده و اصول و شیوههای کار متعددی نیز در سراسر جهان بوجود آمده است. اسناد و مدارک این کشورها می تواند در دسترس دیگر کشورهایی قرار گیرد که به تازگی برنامه های جدید را در زمینه نامهای جغرافیایی شروع کرده اند و قطعاً می تواند شروع خوبی برای آنها باشد. با اینحال هر کشور شیوه ای را برمی گزیند که با ساختار سیاسی ، حکومتی، زبانی منحصر بفرد خود به بهترین وجه هماهنگی داشته باشد. همیشه دشوارترین گامها، اولین گامهاست از جمله، ملاحظه ی توصیه ها، تأیید توافقنامه های داخل سازمانی، حمایت مطمئن از تاسیس یک نهاد ملی نامهای جغرافیایی.

منابع:

1. <http://unstats.un.org/unsd/geoinfo/UNGEGN/default.html>
 2. UNGEGN: overview, Divisions and news, Helen Kerfoot, Chair, UNGEGN, February 2011
- ۳- مقاله خانم هلن کرفت در کارگاه آموزشی توپونیمی، ۲۰۰۷، هلند
- ۴- مستندات مربوط به کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران
- ۵- تجارب شخصی نگارنده از حضور در نشست‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی استانداردسازی نام‌های جغرافیایی